

بورس فلزات و کشاورزی دایل موفقیت و شکست



رضازاثر حیدری - عضو هیات مدیره شرکت بورس کالای ایران

سازوکار قابل اعتماد و البته شفاف بورس فلزات تهران بود. پس از گذشت یکسال از فعالیت بورس فلزات تهران، فاصله میان بهای محصولات فولادی در بورس و بازار آزاد به اندازه ای کاهش یافت تا اعتماد مصرف کنندگان، تولید کنندگان و دولت را برای ادامه فعالیت بورس فلزات جلب کند.

اما در بورس کالای کشاورزی هیچ هدف مشخصی دنبال نشد به جز راه اندازی و استمرار فعالیت خود بورس. در واقع وسیله به هدف تبدیل گردید و انگیزه اصلی ایجاد این نهاد اقتصادی نیز بتدریج محو شد. شاید این شرایط هنوز هم در معاملات کشاورزی بورس کالا ادامه داشته باشد با این تفاوت که بدلیل نوع فعالیت آن، در حال حاضر از هزینه های عملیاتی آن تا حد زیادی کاسته شده است.

و در پایان این موضوع را نباید از نظر دور داشت که با ادامه روند خصوصی سازی در صنایع فولاد ایران انگیزه تولید کنندگان فولاد نیز ممکن است دستخوش تغییر شود. در شرایط حاضر بخشی از اهداف محقق شده است و ادامه موفق فعالیت بورس در گروهی این شرط است که بتواند بعنوان یک کانال توزیع مؤثر، کم هزینه و گسترده توانائی خود را به تولید کنندگان و مصرف کنندگان اثبات نماید.

بورس کالای کشاورزی اما نتوانست این تأثیر را بر روی بخش کشاورزی اقتصاد ایران داشته باشد. چرا؟ این سئوالی است که بارها تکرار شده است و هیچگاه یک پاسخ مشخص نداشته است. آیا ساختار کشاورزی ایران برای راه اندازی بورس کشاورزی مناسب نبود و یا برعکس ساختار بورس برای کشاورزی ایران نامناسب بود و یا اینکه شاید دولت از بورس کشاورزی حمایت کافی بعمل نیاورد؟ البته در اینجا این پرسش پیش میاید که مگر دولت وظیفه دارد که از بورس کالا حمایت کند؟

واقعیت این است که دولت وظیفه ندارد که از بورس کشاورزی حمایت کند اما بنظر میرسد با حمایت از این نهاد اقتصادی میتوانست به اهداف دیگری دست یابد. در واقع بورس کالای کشاورزی ابزار مؤثری بود که نادیده گرفته شد و آنگونه که وزارت صنایع از بورس فلزات برای اصلاح ساختار بخش معادن و صنایع معدنی خود بهره برد وزارت کشاورزی نیز میتوانست از این ابزار سود ببرد.

من شخصاً تفاوت دستاورد های بورس فلزات و بورس کالای کشاورزی را در تفاوت عمده میان اهداف تولید کنندگان در این دو بخش می دانم. تولید کنندگان فولاد در ایران که بیشترین سهم را

آیا تجربه بورس فلزات تهران تجربه موفق است؟ بدون شک فعالیت بورس فلزات را از زمان تأسیس تا زمان ادغام آن در بورس کالای ایران را میتوان تجربه موفق بشمار آورد. البته نه به این دلیل که بورس فلزات نمی توانست بهتر از این باشد بلکه بیشتر از این روی که بورس فلزات مکانیزمی بود برای حذف سازوکار سهمیه بندی و قیمتگذاری مصوب و به دولت این اجازه را داد که تولید کنندگان فولاد را از مراکز هزینه به مراکز درآمد مبدل سازند.

هیچ گاه نمی توان از یاد برد که ایران علیرغم دارا بودن حدود ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تن ذخائر کشف شده سنگ آهن و منابع عظیم گاز طبیعی پس از گذشت ۴۰ سال از پایه گذاری صنعت فولاد هنوز هم بخش مهمی از فولاد مورد نیاز خود را چه بصورت شمش و چه بصورت محصول نهائی از خارج تأمین میکرد.

مکانیزم قیمت گذاری مصوب برای سالیان طولانی سرمایه گذاران را از صنعت فولاد دور کرد و دولت هم با کمک درآمد نفت واحدهای زیانده خود را به نحوی اداره میکرد تا تنور فولاد روشن بماند. صنعت فولاد در ایران رشد نیافت چرا که درآمد شرکتها بصورت رانتهای پیدا و ناپیدا از بدنه تولید خارج می شد. آیا امکان واگذاری یک واحد زیانده که ملزم به رعایت قیمت های مصوب دولتی است وجود دارد. بطور قطع خیر.

هدف هوشمندانه ای که در پس راه اندازی بورس فلزات پنهان بود این نقطه ضعف را از میان برداشت. قیمتگذاری از طریق بورس شرکت های زیانده دولتی را به واحد هائی سود آور مبدل نمود که اینک سهام آن در ظرف چند دقیقه فروخته میشود. بدون قطع امکان خصوصی سازی واحد های فولاد بدون آزادسازی قیمتها ممکن نبود و آزاد سازی قیمتها نیز بدون راه اندازی بورس فلزات راه به جایی نمی برد. بنابراین آینده صنعت فولاد در ایران که علیرغم وجود چالش های جدی من شخصاً به آن امیدوارم بدون راه اندازی بورس فلزات شکل دیگری به خود میگرفت.

